

پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی

علمی - پژوهشی

شماره ۱۴

هزار و سیصد و نود و هشت - نیمسال دوم (دوفصلنامه)

- مطالعه تطبیقی فرایند توقف و بازرسی پلیسی در اماکن عمومی در نظام حقوقی ایران و انگلستان
دکتر غلامحسین کوشکی - پیمان دولت‌خواه پاشاکی
۷
- مسئولیت دارندگان وسایل نقلیه موتوری در مقابل شخص ثالث، به مثابه مسئولیت مدنی یا کیفری؟
دکتر نصراله جعفری خسروآبادی - مینا سالمی
۵۷
- رهبری باند مجرمانه و تشدید مجازات
دکتر منصور رحمدل
۸۳
- «تحول» در شناسایی عرف یا «اختراع» عرف؟
دکتر علیرضا باقری ایبانه
۱۰۳
- تحلیل محتوای سریال تلویزیونی کیمیا از منظر خشونت خانوادگی
رابعه نظریور همدانی - دکتر بتول پاکزاد
۱۳۹
- مبانی و قلمرو آموزه‌های کیفرشناسی نوین در زمینه بزهکاری نوجوانان با رویکرد تطبیقی به نظام عدالت کیفری ایران و آمریکا
علی داودی سالستانی - دکتر سید حسین هاشمی
۱۷۱
- رویکرد اسناد بین‌المللی به حقوق بزه‌دیدگان جنایت ناپدیدسازی اجباری
دکتر جمال بیگی - هیوا علی‌پور
۱۹۹
- جرم‌شناسی واقع‌گرایی راست، زمینه‌ها و جلوه‌ها
ایوب نوریان - دکتر غلامرضا محمد نسل - دکتر نادر نوروزی
۲۲۱
- مشارکت سازمان‌های بین‌المللی در تحقیقات مقدماتی دیوان کیفری بین‌المللی ۲۰۰۷
سحر پورحسن زیوه - دکتر سید ابراهیم قدسی - دکتر حمیدرضا جاویدزاده
۲۴۷





رهبری باند مجرمانه و تشدید مجازات

دکتر منصور رحمدل*

چکیده:

رهبری باند مجرمانه از کیفیات مشدده عینی مجازات تلقی می‌شود. در این معنا قانونگذار برای شخص برخوردار از کیفیت عینی در مقایسه با افراد دیگر مجازاتی شدیدتر تعیین می‌کند. قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ در مقام توجه به این امر در تبصره ۲ ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی در قالب سردستگی در ارتکاب جرم بدون تعریف سردستگی یا رهبری باند به بیان مصادیق سردستگی می‌پردازد. طبق تبصره مزبور «سردستگی عبارت از تشکیل یا طراحی یا سازمان‌دهی یا اداره گروه مجرمانه است.» به این ترتیب می‌توان گفت که ممکن است یک گروه مجرمانه بیش از یک نفر سردسته داشته باشد. برای مثال، یک نفر اقدام به طراحی، نفر دوم اقدام به سازمان‌دهی، نفر سوم اقدام به تشکیل و نفر چهارم اقدام به اداره گروه نماید. نوعاً طراحی بر مصادیق دیگر مقدم است. رهبر باند به دیگران دستور می‌دهد و آنها نیز دستورات او را اجرا می‌کنند. ولی قانونگذار مصادیق متعددی را برای رهبری باند در نظر گرفته است. لازم به ذکر است که جرم ارتكابی توسط گروه باید در راستای اهداف گروه باشد و آلاً ربطی به رهبر باند نخواهد داشت. سؤالاتی که در باب رهبری باند قابل طرح است، آن است که ماهیت رهبری باند چیست؟ معاونت است یا مشارکت؟ آیا رهبری باند مستلزم دخالت در عنصر مادی است؟ مجازات اعضای گروه در وضعیت رهبر باند تأثیر دارد؟ منظور از گروه مجرمانه سازمان‌یافته چیست؟ مقاله حاضر در مقام پاسخ‌دهی به سؤالات مزبور است. روش تحقیق از نوع تحلیلی است.

کلیدواژه‌ها:

رهبری باند، معاونت، مشارکت، گروه مجرمانه سازمان‌یافته.

مقدمه

قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ به سردستگی در ارتکاب جرم اشاره نکرده بود. با این حال، در ماده ۲۹ قانون مزبور تصریح شده بود که «درمورد معاونین مجرم محکمه می‌تواند نظر به اوضاع و احوال قضیه و یا نظر به کیفیات، معاونین مجرم را به همان مجازاتی که برای شریک مجرم مقرر است، محکوم نماید.» به نظر می‌رسد دادگاه می‌توانست با تفسیر عبارات «نظر به اوضاع و احوال قضیه یا نظر به کیفیات» در فرضی که شخصی نقش سردستگی را در ارتکاب جرم ایفاء می‌کرد و به عبارت دیگر نسبت به معاونین دیگر نقش مهمی را در ارتکاب جرم ایفاء می‌کرد وی را به مجازات مشارکت در ارتکاب جرم محکوم نماید. همچنان که عبارات مزبور در جهت مثبت نیز قابل تفسیر هستند. چون قسمت اخیر ماده ۲۹ مقرر داشته بود «یا مجازات را از یک الی دو درجه تخفیف دهد.» بنابراین سه فرض در ماده ۲۹ متصور بوده است:

۱- محکوم کردن معاون به مجازات معاونت به صورت معمولی؛

۲- محکوم کردن معاون به مجازات مباشرت؛

۳- یک یا دو درجه تخفیف در مجازات معاون.

دادگاه در دو شق اخیر باید دلیل عدول از مجازات معمولی معاونت را بیان می‌کرد. در هر دو مورد این اوضاع و احوال قضیه یا کیفیات ارتکاب عمل از ناحیه معاون بود که دادگاه را به محکوم کردن معاون به مجازات شریک یا تخفیف در مجازات وی سوق می‌داده است.

گفته می‌شود که «از نظر روانشناسی تشکیل اجتماع برای ارتکاب جرم باعث جرئت و جسارت مجرمان می‌شود، از نظر جامعه‌شناسی باعث ایجاد ناامنی فراگیر و گسترده می‌شود و از نظر جرم‌شناسی باعث تشدید حالت خطرناک و به خطر انداختن نظم جامعه می‌شود.»^۱ و «گاه اتفاق می‌افتد که تأثیر معاون در ارتکاب جرم و همچنین میزان مخاطرات وی برای اجتماع به مراتب بیش از مباشر اصلی باشد. فرضاً دزد کهنه‌کاری که تعدادی از اطفال را به دور خود جمع نموده و باندی جهت سرقت تشکیل می‌دهد و آنان را به سرقت وامی‌دارد، به مراتب برای جامعه خطرناک‌تر از مباشرین و مجرمین اصلی می‌باشد. قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ برای چاره‌جویی این قبیل موارد حکم ماده ۳۰ را وضع نمود.»^۲ به این اعتبار «چنانچه شخصی که یکی از مصادیق معاونت

۱. حسین آقایی جنت‌مکان، حقوق کیفری عمومی (تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۰)، جلد دوم، ۷۲.

۲. مرتضی محسنی، دوره حقوق جزای عمومی، مسئولیت کیفری (تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۶)، جلد

را مرتکب می‌شود «اداره یا سردستگی» دو یا چند نفر را در ارتکاب جرم به‌عهده داشته باشد مطابق ماده ۳۰ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲ به حداکثر مجازات آن جرم محکوم خواهد شد.^۳ به‌موجب ماده ۳۰ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲ «مجازات شخص یا اشخاصی که اداره یا سردستگی دو یا چند نفر را در ارتکاب جرم به‌عهده داشته باشند اعم از اینکه عمل آنان شرکت در جرم یا معاونت باشد حداکثر مجازات آن جرم خواهد بود مگر اینکه در قانون، مجازات خاصی تعیین شده باشد.» این ماده نیز در مورد سردستگی در ارتکاب جرم شقوق زیر را مورد توجه قرار داد:

- ۱- محکومیت سردسته به حداکثر مجازات شرکت در جرم، در فرضی که سردسته در ارتکاب جرم مشارکت می‌نماید؛
- ۲- محکومیت سردسته به حداکثر مجازات معاونت، در فرضی که سردسته در عنصر مادی جرم مداخله نمی‌کند و صرفاً در قالب معاونت اقدام می‌کند؛
- ۳- محکومیت سردسته به مجازاتی دیگر، در فرضی که در قانون برای سردستگی مجازات خاصی تعیین شده باشد.

ماده ۲۳ قانون راجع به مجازات اسلامی سال ۱۳۶۱ بدون آنکه مشخصاً برای سردسته مجازات معین کند آن را از اسباب تشدید کیفر قلمداد کرد. طبق ماده مزبور «رهبری و سردستگی دو یا چند نفر در ارتکاب جرم اعم از اینکه عمل آنان شرکت در جرم یا معاونت باشد می‌تواند از علل مشدده مجازات باشد.» این ماده از حیث واگذاری قلمرو و میزان تشدید به دادگاه با اصل قانونی بودن مجازات در تعارض بود. ماده ۴۵ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ نیز نظیر همین متن را تکرار و مقرر داشت «سردستگی دو یا چند نفر در ارتکاب جرم اعم از اینکه عمل آنان شرکت در جرم یا معاونت در جرم باشد از علل مشدده مجازات است.» تا اینکه ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ با تفصیلی بیشتر به بیان مطلب پرداخت که ذیلاً به تبیین جنبه‌های مختلف آن می‌پردازیم. طبق ماده مزبور «هرکس سردستگی یک گروه مجرمانه را برعهده گیرد به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای آن گروه در راستای اهداف همان گروه مرتکب شوند، محکوم می‌گردد مگر آنکه جرم ارتكابی موجب حد یا قصاص یا دیه باشد که در این صورت به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود. در محاربه و افساد فی الارض زمانی که عنوان محارب یا مفسد فی الارض بر سردسته گروه مجرمانه صدق کند

۳. پرویز صانعی، حقوق جزای عمومی (تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۸۲)، ۵۸۲.

حسب مورد به مجازات محارب یا مفسد فی الارض محکوم می‌گردد. تبصره ۱- گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می‌گردد.

تبصره ۲- سردستگی عبارت از تشکیل یا طراحی یا سازمان‌دهی یا اداره گروه مجرمانه است. «باتوجه به اینکه قانونگذار هر چهار مورد مذکور در تبصره را از مصادیق سردستگی تلقی کرده است برخلاف نظر برخی که معتقدند «هر گروه مجرمانه از نظر قانونگذار یک سردسته دارد و به نفر دوم گروه مجرمانه عنوان سردستگی اطلاق نمی‌گردد بلکه افراد بعدی با هر نوع نقش‌آفرینی هرچند کمک در سازمان‌دهی گروه و غیره نماید سردسته نمی‌باشد و در شمول ماده ۱۳۰ قرار نمی‌گیرد.»^۴ می‌توان گفت یک گروه مجرمانه می‌تواند بیش از یک نفر سردسته داشته باشد. برای تبیین بهتر مطلب مفهوم سردستگی، گروه مجرمان سازمان‌یافته، موارد خاص سردستگی در قوانین متفرقه و مجازات سردسته را طی گفتارهای جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱- مفهوم سردستگی

قانونگذار بدون آنکه سردستگی را تعریف کند به بیان مصادیق سردستگی پرداخته است. طبق تبصره ۲ ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی «سردستگی عبارت از تشکیل یا طراحی یا سازمان‌دهی یا اداره گروه مجرمانه است.» طراح کسی است که ایده اصلی فعالیت یک گروه مجرمانه را ارائه می‌دهد و منابع تأمین امکانات و شکل عمل و نحوه شکل‌گیری آن را بیان می‌کند. می‌توان گفت سازمان‌دهی به‌نوعی اشاره به افراد یا گروه‌های پراکنده دارد و سازمان‌دهنده افراد یا گروه‌های پراکنده را گردهم جمع می‌کند و می‌خواهد اهداف مجرمانه خود را از طریق آنها به منصه ظهور و بروز برساند. تشکیل‌دهنده فردی است که با پیاده‌سازی نقشه عملیاتی تهیه‌شده توسط طراح یا سازمان‌دهنده اقدام به شکل‌دهی به گروه می‌نماید و اداره‌کننده، گروه تشکیل‌یافته یا سازمان‌دهی‌شده یا متشکل را هدایت می‌کند. با این کیفیت معلوم می‌شود که فعلیت یک گروه مجرمانه مستلزم هماهنگی بین اجزای مختلف گروه و تبعیت آنها از سردسته گروه است. اساساً گروه برای انجام دادن عمل معین و محقق ساختن هدف معین تشکیل می‌شود و به این اعتبار

۴. محمدرضا عدالتخواه، *مبسوط قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲* (تهران: انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۹۳)، ۲۵۸.

هماهنگی بین اعضای گروه و رهبر گروه شرط لازم برای پیشبرد اهداف گروه است. سؤالی که مطرح می‌شود آن است که «آیا مجرمان از اوضاع و احوال برای سازمان‌دهی گروه‌های مجرمانه استفاده می‌کنند یا این اوضاع و احوال است که مجرمان را به سمت ایجاد سازمان‌های مجرمانه سوق می‌دهد؟ به نظر می‌رسد می‌توان هر دو مورد را فرض نمود و نمونه‌هایی از هر دو مورد را در جوامع مختلف مورد توجه قرار داد.»^۵

سردسته را می‌توان ایده‌پرداز گروه تلقی کرد که به اعضای گروه ایده‌های مجرمانه می‌دهد. وی اعضای گروه را به دنبال خود می‌کشد و آنان را به سمت ارتکاب جرم سوق می‌دهد. می‌توان ماهیت سردستگی را معاونت در جرم تلقی کرد. به این اعتبار می‌توان گفت حضور فیزیکی سردسته در صحنه ارتکاب جرم برای تحقق مفهوم سردستگی لازم نیست. چون اداره گروه به‌عنوان یکی از مصادیق سردستگی می‌تواند از طریق تلفن همراه یا ارائه برنامه ارتکاب جرم هم صورت بگیرد. علی‌رغم تلقی ماهیت سردستگی به‌عنوان معاونت باید گفت قانونگذار برای آن مجازات مباشرت تعیین کرده و «این معاونت‌های خاص در حکم مباشرت مشمول ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی نمی‌شوند.»^۶

«رئیس گروه^۷ مسئول گروه مجرمانه است. رئیس نوعاً بر زیرمجموعه خود کنترل مطلق یا تقریباً کنترل مطلق دارد. برخی از گروه‌ها فقط دو رسته (رئیس و سربازان) دارند. برخی دیگر سازمان پیچیده‌تر و ساختارمند با چندین رسته دارند و ساختار آنها ممکن است با پس‌زمینه فرهنگی تغییر یابد.»^۸

گفتیم که سردسته اساساً نقش معاون را در ارتکاب جرم ایفاء می‌کند ولی می‌توان تصور نمود که سردسته ضمن مشارکت در ارتکاب جرم نقش سردستگی را هم ایفاء نماید. این امر به‌خصوص در فرضی که سردسته اقدام به تشکیل و اداره گروه می‌نماید نمود بیشتری پیدا می‌کند. به این اعتبار ماده ۳۰ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲ و ماده ۲۳ قانون راجع به مجازات اسلامی سال ۱۳۶۱ و ماده ۴۵ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ با استعمال عبارت «اعم از اینکه عمل آنان شرکت در جرم یا معاونت باشد حداکثر» به امکان سردستگی از طریق مشارکت در جرم هم اشاره کرده بودند.

5. Jay S. Albanese, "The Causes of Organized Crime," *Journal of Contemporary Criminal Justice* 16(4) (2000): 409-423.

۶. مهدی سلطانی، حقوق جزای عمومی (تهران: انتشارات دادگستر، ۱۳۹۱)، جلد دوم، ۱۰۶.

7. Crime Boss, Crime Lord, Mob Boss, Kingpin, Criminal Mastermind, or Don.

8. "Crime Boos," Wikipedia, Last Modified December 1, 2019, [https://en.wikipedia.org/wiki/Boss_\(crime\)](https://en.wikipedia.org/wiki/Boss_(crime)).

۲- مفهوم گروه مجرمانه سازمان یافته

هرچند از نظر تاریخی گفته می‌شود که «مفهوم جرایم سازمان یافته در ایالات متحده آمریکا ظاهر شد.»^۹ ولی به نظر می‌رسد «جرم سازمان یافته پدیده جدیدی نیست. پیشینه آن به ظهور دولت مدرن می‌رسد. پیگیری منافع مالی همیشه نیروی پیشران پشت سر جرم سازمان یافته در معنای سنتی بوده است.»^{۱۰}

بند الف ماده ۲ کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با جرایم سازمان یافته در تعریف گروه مجرمانه سازمان یافته مقرر داشته «گروه مجرمانه سازمان یافته یعنی گروه سازمان یافته متشکل از سه یا چند نفر که برای یک دوره زمانی مشخص وجود داشته و به طور هماهنگ با هدف ارتکاب یک یا چند جرم یا تخلف شدید مندرج در این کنوانسیون، به منظور تحصیل مستقیم یا غیرمستقیم منافع مالی یا سایر منافع مادی، فعالیت می‌کند.» بند ج آن نیز گروه سازمان یافته را گروهی می‌داند که «به منظور ارتکاب فوری جرم به طور تصادفی یا غیرمنظم تشکیل نشده باشد و به داشتن نقش‌های تعریف شده رسمی برای اعضای خود، ادامه عضویت در آن یا به ساختار توسعه یافته نیاز نداشته باشد.» با این کیفیت اگر افرادی به صورت آنی اقدام به تشکیل گروه کرده و گروه تصمیم به ارتکاب جرم گرفته باشد از شمول مفهوم گروه سازمان یافته به معنای مذکور در بند ج ماده ۲ کنوانسیون خارج خواهد بود. ولی به نظر می‌رسد می‌توان گروه‌هایی را که به صورت تصادفی و نامنظم تشکیل شده باشند داخل در مفهوم ماده ۱۳۰ قرار داد و با این کیفیت می‌توان گفت قانونگذار ایران به مفهومی مشدد از سازمان‌های مجرمانه نظر داشته است و با توجه به اینکه «تعریف‌ها و ابزارهای سازمان ملل جایگزین مقررات داخلی نمی‌شوند»^{۱۱} و «هر کشوری قانون جزایی خاص خود را دارد و ویژگی‌های خاص را می‌تواند در تعریف جرم سازمان یافته مورد توجه قرار دهد»^{۱۲} اتخاذ تعریف مزبور از طرف قانونگذار ایران مغایرتی با تعریف مورد نظر سازمان ملل ندارد. در ماده ۱۳۰ قانونگذار از عبارت «گروه نسبتاً منسجم» صحبت کرده و این امر دلالت بر آن دارد که نیازی نیست که گروه کاملاً انسجام داشته باشد و سازمان یافتگی

9. Stephen Ellis and Mark Shaw, "Does Organized Crime Exist In Africa?" *African Affairs* 114/457 (2015): 505-528.

10. Kim-Kwang Raymond Choo & Russell G. Smith, "Criminal Exploitation of Online Systems by Organized Crime Groups," *Asian Criminology* 3 (2008): 37-59.

11. Gert Vermeulen et Yasmin Van Damme et Wendy De Bondt, "Perceived Involvement of "Organised Crime" in Human Trafficking and Smuggling," *Revue Internationale de Droit Pénal* 81 (2010/1): 247-273.

12. Walter Kegö and Alexandru Molcean, *Russian Speaking Organized Crime Groups in the EU* (Stockholm: Institute for Security and Development Policy, ISBN: 978-91-86635-05-3 Printed in Singapore, 2011), 9.

نسبی کفایت خواهد کرد. طبق تبصره ۱ این ماده «گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می‌گردد.» با این کیفیت برای اینکه گروه شکل بگیرد وجود حداقل سه نفر شرط است.

طبق ماده ۴۹۸ ق.م.ا. سال ۱۳۷۵ نیز دسته یا جمعیت یا شعبه جمعیتی که به قصد برهم زدن نظم عمومی تشکیل می‌شود حداقل باید متشکل از سه نفر باشد ولی این امر را نباید با حکم مواد ۶۱۰ و ۶۱۱ همان قانون که در مورد تبانی وجود حداقل دو نفر را لازم می‌داند، اشتباه گرفت. چون قانونگذار در مواد ۱۳۰ و ۴۹۸ از گروه مجرمانه و در مواد ۶۱۰ و ۶۱۱ از تبانی برای ارتکاب جرم صحبت می‌کند.

تفاوت دیگر آنکه در دو ماده ۱۳۰ و ۴۹۸ منظور قانونگذار این است که شخصی گروه مجرمانه‌ای را تشکیل دهد ولی در دو ماده ۶۱۰ و ۶۱۱ منظور قانونگذار این است که دو نفر با هم تبانی کنند. حتی اگر در فرض ماده ۶۱۰ و ۶۱۱ تعداد تبانی‌کنندگان بیش از دو نفر باشند در صورتی که تبانی به شکل سازمان‌یافته باشد عمل آنان حسب مورد مشمول ماده ۴۹۸ یا ۱۳۰ خواهد بود.

از نظر قانونگذار برای تحقق مفهوم گروه مجرمانه لازم است که گروه نسبتاً منسجم باشد و معنای آن این است که تشکیلاتی که تحت عنوان گروه تشکیل می‌شود هدفمند و سازمان‌یافته و دارای سلسله‌مراتب باشد. اساساً چنین گروهی بدون وجود یک راهبر و اداره‌کننده انسجام ندارد ولی ممکن است بتوان فرضی را مطرح کرد بدون آنکه راهبر یا اداره‌کننده‌ای وجود داشته باشد اعضای گروه با هماهنگی هم و در راستای تعقیب هدفی واحد و مشترک دست به اقدام بزنند. به عبارت دیگر، آنها دستورات خود را از فرد واحدی نمی‌گیرند بلکه در هر مورد خاص بر اساس نظر و پیشنهاد یکی از اعضا اقدام به فعالیت می‌نمایند و به این اعتبار که همه اعضا ممکن است در ارتکاب جرم و راه‌های مختلف آن از آگاهی کافی برخوردار باشند و به صورت جمعی پیشنهادات خود را مطرح و به نتیجه مشترک برسند. گروه نسبتاً منسجم به این معناست که تعقیب هدف واحد و مشترک و خاص اعضا را گردهم جمع می‌کند و مهم‌ترین عامل باعث انسجام اعضا همان تحقق بخشیدن به هدف خاص است که به خاطر آن گردهم می‌آیند. با این کیفیت ثبت رسمی گروه لازم نیست و ممکن است گروهی با اسم مجاز ثبت شده باشد و ممکن است اساساً ثبت نشود و طبیعت عمل که اختفاء را ایجاب می‌کند، نوعاً باعث می‌شود که چنین گروه‌هایی ثبت نشوند. «چون آنچه که مهم است نه ثبت گروه بلکه وجود و ادامه حیات گروه است. به همین

علت انحلال گروه باید مورد حکم قرار گیرد. مثلاً القاعده یک گروه و مافیا یک گروه دیگر است و طراح و سردسته که گرفتار شود دیگری جای او را می‌گیرد.^{۱۳} «خاستگاه مافیا جزایر سیسیل ایتالیا است که در آن مافیا به‌عنوان یک نیروی قوی، شکست‌ناپذیر و مخفی معرفی شد که مشروعیت آن یا مورد سؤال بود و یا مورد انکار.»^{۱۴} از مافیا «به‌عنوان دولت در سایه تعبیر می‌شود، یک مجموعه سیاسی که برخی وقت‌ها با دولت مخالفت می‌کند و برخی وقت‌ها خرابکاری می‌کند و برخی وقت‌ها در درون مجموعه حکومت اقامت می‌گزیند.»^{۱۵} و «جرم سازمان‌یافته در کشورهایی شایع‌تر است که حاکمیت قانون ضعیف باشد.»^{۱۶}

استفاده از عبارت نسبتاً منسجم توسط قانونگذار دلالت بر آن دارد که قانونگذار انسجام کامل را برای تحقق مفهوم گروه لازم نمی‌داند و از نظر وی انسجام نسبی کفایت می‌کند. تفاوت انسجام نسبی با کامل آن است که در انسجام نسبی هماهنگی لازم و کامل بین اعضای گروه برای تحقق بخشیدن به یک عمل مجرمانه لازم نیست و ممکن است در برخی ابعاد بین آنها از جمله شکل ارتکاب جرم یا وسیله‌ای که برای ارتکاب جرم مورداستفاده قرار می‌گیرد یا منابع تأمین مالی بین اعضای گروه اتفاق نظر وجود نداشته باشد ولی در انسجام کامل بین آنها از همه جهات اتفاق نظر وجود دارد. «راه‌های تأمین مالی مورداستفاده به‌وسیله گروه مجرمانه سازمان‌یافته می‌تواند به شبکه‌ای از راه‌های دیگر وصل شود که سازمان گروه را حفظ و باعث تداوم حیات گروه می‌شوند.»^{۱۷} یکی دیگر از راه‌های موفقیت سازمان‌های مجرمانه همکاری با یکدیگر است به‌نحوی که «طی ۲۵ سال گذشته جرم سازمان‌یافته و سازمان‌های تروریستی روابط کاری خود را توسعه داده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که هرچه بیشتر همکاری کنند، موفقیت بیشتری در استفاده از کارشناسان و متخصصین شبکه‌های هم‌دیگر به‌دست خواهند آورد.»^{۱۸} برخلاف زمان‌های گذشته که گروه‌های مجرمانه در عالم فیزیکی تشکیل یا اداره

۱۳. علی آزمایش، تقریرات درس حقوق کیفری عمومی، دوره دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی (تهران: دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۲).

14. Letizia Paoli, "Organized Crime in Italy: Mafia and Illegal Markets - Exception and Normality," in *Organised Crime in Europe: Concepts, Patterns and Control Policies in the European Union and Beyond*, ed. Cyrille Fijnaut and Letizia Paoli (Dordrecht: Springer, 2004), 263-302.
15. John Dickie, *Cosa Nostra: A History of the Sicilian Mafia* (London: Palgrave Macmillan, 2005), 291.
16. Lucy Reynolds¹ and Martin McKee, *Organised Crime and the Efforts to Combat It: A Concern for Public Health* (Published online Nov 15, 2010).
17. Kenneth Murray, "Dismantling Organized Crime Groups through Enforcement of the POCA Money Laundering Offences," *Journal of Money Laundering Control* 13(1) (2010): 7-14.
18. Steven D'Alfonso, "Why Organized Crime and Terror Groups Are Converging," September

می‌شدند در دنیای فعلی به واسطه اینترنت و گستردگی آن می‌توان از گسترش جرایم سازمان‌یافته در شبکه اینترنتی صحبت نمود.^{۱۹}
 برخی برای گروه مجرمانه سازمان‌یافته ویژگی‌های زیر را برشمرده‌اند:

۱-۲- استمرار

گروه مجرمانه فراتر از عمر اعضای خود فعالیت می‌کند و به نحوی سازمان‌دهی می‌شود که در صورت تغییر در رهبری بتواند خود را نجات دهد.

۲-۲- ساختار

گروه مجرمانه به‌عنوان مجموعه‌ای از سلسله‌مراتبی متضمن ادارات وابسته به هم که هر کدام برای انجام کار معینی ایجاد شده‌اند، سازمان‌دهی می‌شود. ممکن است به‌طور کامل سازمان‌دهی شده باشد یا به‌صورت نسبی. باین‌حال، طبقات مختلف آن بر اساس قدرت از هم متمایز هستند.

۳-۲- عضویت

عضویت در مرکز گروه مجرمانه بسیار سخت است و مبتنی بر ویژگی‌های مشترکی همانند قومیت، پیشینه بزهکار و منافع مشترک است. اعضاء بالقوه تحت بررسی قرار می‌گیرند و باید وفاداری خود را به گروه مجرمانه اثبات نمایند. قواعد عضویت شامل رازداری، تمایل به انجام هر کاری برای گروه و قصد حفظ گروه است. درمقابل وفاداری، عضو گروه مجرمانه منافع اقتصادی، اعتبار و محافظت در برابر اجرای قانون را کسب می‌کند.

۴-۲- بزهکاری

گروه مجرمانه برای ایجاد درآمد به فعالیت مجرمانه مستمر نیاز دارد. از این‌رو، تباری مجرمانه مستمر جزء ذات گروه سازمان‌یافته است. برخی از فعالیت‌ها همانند تهیه کالاها و خدمات غیرقانونی مستقیماً ایجاد درآمد می‌کنند، درحالی‌که برخی دیگر همانند قتل عمد، تهدید و ارتشاء به گروه امکان تحصیل پول را می‌دهد و قدرت آن را افزایش می‌دهد. گروه مجرمانه

4, 2014, <https://securityintelligence.com/why-organized-crime-and-terror-groups-are-converging/> (last Visited October 21, 2017).

19. Kim-Kwang Raymond Cho, "Organized Crime Groups in Cyberspace: A Typology," *Trends in Organized Crime* 11 (2008): 270-295.

ممکن است هم‌زمان به یک فعالیت مشروع یا نامشروع بپردازد.

۲-۵- خشونت

خشونت و تهدید به خشونت بخش جدایی‌ناپذیر گروه مجرمانه هستند. خشونت یا تهدید به خشونت برای الزام اعضای گروه به عمل وفق اهداف گروه و نیز علیه دیگران برای حفظ منافع اقتصادی گروه اعمال می‌شود. از اعضای گروه انتظار می‌رود اعمال خشونت‌آمیز انجام دهند، به انجام آن متعهد باشند و اعمال آن را تجویز کنند.

۲-۶- هدف قدرت / سود

هدف اعضای گروه افزایش سود است. قدرت سیاسی از طریق فساد مأمورین عمومی شامل قانونگذاران و کارگزاران سیاسی حاصل می‌شود. گروه مجرمانه قدرت خود را از طریق حامیان خود که از گروه و منافع آن دفاع می‌کنند، حفظ می‌کند.^{۲۰}

۳- موارد خاص سردستگی

قبل از تصویب ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی که تبصره ۲ آن تشکیل و اداره گروه مجرمانه را از مصادیق سردستگی تلقی کرده است درموارد خاصی نیز قانونگذار از تشکیل و رهبری یا اداره گروه یا باند برای ارتکاب جرم صحبت و برای آن مجازاتی شدید در نظر گرفته است که ذیلاً آن را موردبررسی قرار می‌دهیم.

۳-۱- تشکیل یا اداره دسته، جمعیت یا شعبه جمعیت برای برهم زدن امنیت کشور

در ماده ۴۹۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات سال ۱۳۷۵ از عبارت تشکیل یا اداره کردن گروهی که هدف آن برهم زدن امنیت کشور است، استفاده شده است. بدون تردید گروهی که با هدف ارتکاب جرم تشکیل می‌شود یک گروه مجرمانه است و به این اعتبار داخل در مفهوم موضوع ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ است. حال سؤالی که مطرح است آن است که آیا می‌توان بر اساس تبصره ۲ ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی تشکیل یا اداره گروه موضوع ماده ۴۹۸ را از مصادیق سردستگی تلقی کرد؟ به نظر می‌رسد برای پاسخ دادن به این سؤال باید بین فروض زیر قائل به تفصیل شد.

20. Madan Lal Sharma, "Organised Crime in India: Problems & Perspectives," (The International Seminar Visiting Experts' Papers, New Delhi, 1999): 107-129.

۱- نفس تشکیل دسته یا جمعیت یا شعبه جمعیت جرم است اعم از اینکه دسته یا جمعیت یا شعبه جمعیت مرتکب جرم موردنظر بشود یا نشود؛ بنابراین، در ارتباط با ماده ۱۳۰ باید گفت نفس تشکیل یا سازمان‌دهی یا طراحی گروه مجرمانه تا زمانی که گروه مزبور مرتکب جرم نشده باشد، جرم نیست؛

۲- در فرضی که گروه مجرمانه مرتکب جرم می‌شود بحث ارتباط ماده ۴۹۸ و ماده ۱۳۰ مطرح می‌شود. در اینجا می‌توان چهار فرض را مطرح نمود:

(۱) مجازات جرم ارتكابی توسط گروه مجرمانه بیشتر از مجازات مقرر در ماده ۴۹۸ است. به نظر می‌رسد در این حالت باید به استناد ماده ۱۳۰ برای سردسته (تشکیل‌دهنده یا اداره‌کننده گروه مجرمانه موضوع ماده ۴۹۸) مجازات تعیین نمود؛

(۲) مجازات جرم ارتكابی توسط گروه مجرمانه برابر با مجازات مقرر در ماده ۴۹۸ است که در این صورت به استناد ماده ۱۳۰ ناظر به ماده ۴۹۸ مجازات تشکیل‌دهنده یا اداره‌کننده حداکثر مجازات مقرر در ماده ۴۹۸ خواهد بود؛

(۳) مجازات جرم ارتكابی توسط گروه مجرمانه کمتر از مجازات مقرر در ماده ۴۹۸ است. به نظر می‌رسد در این حالت باید برای سردسته (تشکیل‌دهنده یا اداره‌کننده گروه مجرمانه موضوع ماده ۴۹۸) با لحاظ قاعده تعدد معنوی به استناد ماده ۱۳۰ حداکثر مجازات موضوع ماده ۴۹۸ را تعیین نمود. به این دلیل که گفتیم که نفس تشکیل یا اداره کردن گروه مجرمانه وفق ماده ۴۹۸ جرم است اعم از اینکه گروه مزبور مرتکب جرم شده باشد یا نشده باشد و نمی‌توان برای حالتی که گروه مجرمانه مرتکب جرم می‌شود برای سردسته مجازاتی کمتر از حالتی که گروه مجرمانه مرتکب جرم نمی‌شود، تعیین نمود. به این ترتیب برخلاف نظر برخی که معتقدند «باتوجه به نحوه نگارش ماده ۱۳۰ باید قائل به آن بود که این ماده ناسخ تمامی موارد خاص سابق است.»^{۲۱} به نظر می‌رسد اساساً اعتقاد به نسخ موارد خاص همانند ماده ۴۹۸ توسط ماده ۱۳۰ درست نیست؛

(۴) در ماده ۴۹۹ قانونگذار صرف عضویت در گروه موضوع ماده ۴۹۸ را جرم تلقی می‌کند بدون آنکه عضو مزبور مرتکب عمل مجرمانه‌ای شده باشد. درحالی که «حقوق

۲۱. محمد مصدق، شرح قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با رویکرد کاربردی (تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۲)، ۲۶۲.

کیفری مدرن اشخاص را نه به‌خاطر آنچه که هستند (برای مثال عضویت در یک سازمان مجرمانه)، بلکه به‌خاطر آنچه که انجام می‌دهند، مجازات می‌کند (برای مثال اعمال خشونت).^{۲۲}

۳-۲- تشکیل یا رهبری شبکه برای ارتکاب ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری

طبق ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۶/۰۶/۲۸ مجلس شورای اسلامی و تأییدیه ۱۳۶۷/۰۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام «کسانی که با تشکیل یا رهبری شبکه به امر ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مبادرت ورزند علاوه بر ضبط کلیه اموال منقول و غیرمنقولی که از طریق رشوه کسب کرده‌اند به نفع دولت و استرداد اموال مذکور درمورد اختلاس و کلاهبرداری و رد آن حسب مورد به دولت یا افراد، به جزای نقدی معادل مجموع آن اموال و انفصال دائم از خدمات دولتی و حبس از پانزده سال تا ابد محکوم می‌شوند و در صورتی که مصداق کامل مفسد فی‌الارض باشند مجازات آنها مجازات مفسد فی‌الارض خواهد بود.»

از توجه به ظاهر ماده به‌نظر می‌رسد در این ماده نیز همانند ماده ۴۹۸ قانون مجازات اسلامی نفس تشکیل شبکه برای ارتکاب ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری کفایت می‌کند ولو آنکه شبکه مزبور مرتکب جرم نشود. ولی باتوجه به اینکه قانونگذار از ضبط (مصادره) اموال حاصل از جرم صحبت می‌کند، به‌نظر می‌رسد جرم موضوع ماده ۴ زمانی تحقق خواهد یافت که شبکه تشکیل یافته اقدام به ارتکاب جرم هم نموده باشد. به‌عبارت دیگر، نفس تشکیل شبکه جرم نیست مگر اینکه شبکه مرتکب جرم هم بشود. حال سؤالی که مطرح می‌شود آن است که آیا ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی ناسخ ضمنی حکم ماده ۴ است؟ به‌نظر می‌رسد حکم عام ماده ۱۳۰ ناسخ حکم خاص ماده ۴ مورد بحث نخواهد بود.

۳-۳- تشکیل یا اداره گروه برای قاچاق انسان

طبق بند الف ماده ۲ قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳: «اعمال زیر در حکم (قاچاق انسان) محسوب می‌شود: تشکیل یا اداره دسته یا گروه که هدف آن انجام امور موضوع ماده (۱) این قانون باشد.» درمورد این بند از ماده ۲ به‌نظر می‌رسد باید نفس تشکیل گروه را جرم تلقی کرد، هرچند اقدام به ارتکاب قاچاق نکرده باشد؛ بنابراین، گروهی که با هدف قاچاق انسان

22. Pierre Hauck and Sven Peterke, "Organized Crime and Gang Violence in National and International Law," *International Review of the Red Cross* 92(878) (June 2010): 407-436.

تشکیل می‌شود یک گروه مجرمانه است. هرچند قانونگذار از سازمان‌یافته بودن گروه صحبت نکرده است ولی به نظر می‌رسد سازمان‌یافتگی نوعاً از اوصاف و خصوصیات گروه‌های مجرمانه است. حکم ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی را هم نمی‌توان ناسخ بند الف ماده ۲ قانون مبارزه با قاچاق انسان تلقی کرد.

۳-۴- حمل، اخفاء، خرید و نگهداری زنجیره‌ای مواد مخدر

طبق تبصره ماده ۵ مصوبه مبارزه با مواد مخدر «مرتکبین جرایم فوق چنانچه به صورت زنجیره‌ای عمل کرده باشند و مواد برای مصرف داخل باشد مشمول مجازات‌های ماده ۴ خواهند بود و چنانچه یکی از دو شرط موجود نباشد به مجازات‌های این ماده محکوم می‌گردند.» قانونگذار ارتکاب جرم به صورت زنجیره‌ای را تعریف نکرده است ولی به نظر می‌رسد بتوان آن را در قالب ارتکاب جرم به صورت گروه سازمان‌یافته مورد توجه قرار داد. در این حالت قانونگذار مجازات را تشدید می‌کند ولی میزان تشدید به مقدار مواد مخدر موضوع جرم بستگی خواهد داشت و دادگاه به جای استناد به ماده ۵ به ماده ۴ استناد خواهد کرد که متضمن مجازات شدیدتری نسبت به ماده ۵ است. باتوجه به خاص بودن حکم تبصره ماده ۵ نمی‌توان ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی را ناسخ آن تلقی نمود.

۴- مجازات سردسته

ماده ۱۳۰ برحسب اینکه جرم ارتكابی گروه مجرمانه چه جرمی باشد برای سردسته مجازات متفاوتی تعیین کرده است که به شرح زیر قابل تبیین است:

۱- در صورتی که گروه فقط مرتکب یک جرم شده باشد سردسته به حداکثر مجازات همان جرم محکوم خواهد شد. همچنین طبق تبصره ماده ۲۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز سال ۱۳۹۲: «کسانی که در ارتکاب جرایم این ماده نقش سازمان‌دهی، هدایت و یا سردستگی گروه سازمان‌یافته را برعهده دارند، حسب مورد به حداکثر مجازات‌های مقرر در بندهای (الف) و (ب) محکوم می‌شوند.» طبق بند الف میزان مجازات ۹۱ روز تا ۶ ماه حبس و طبق بند ب مجازات بیش از ۶ ماه تا دو سال حبس است. همچنین طبق تبصره ماده ۲۹ قانون مزبور: «کسانی که در جرایم فوق نقش سازمان‌دهی، هدایت و یا سردستگی گروه سازمان‌یافته را برعهده دارند، حسب مورد به حداکثر مجازات‌های مقرر در بندهای (الف) و (ب) محکوم می‌شوند.» توضیح آنکه طبق بند الف اگر ارزش کالای مجاز یا مجاز مشروط تا ۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال باشد مرتکب به ۹۱ روز تا ۶ ماه حبس و اگر ارزش آن بیش از مقدار

مزبور باشد به بیش از ۶ ماه تا ۲ سال محکوم خواهد شد و طبق بند ب چنانچه ارزش کالای یارانه‌ای یا ارز تا یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال باشد به دو سال تا پنج سال حبس و در صورتی که ارزش کالا بیش از مبلغ مذکور باشد به حداکثر مجازات مذکور در این بند محکوم خواهد شد؛

۲- در صورتی که گروه، مرتکب دو یا سه جرم تعزیری شده باشد و مجازات جرایم مزبور دارای حداقل و حداکثر باشد، مجازات سردسته و اعضای گروه یکسان خواهد بود. چون دادگاه مکلف است به استناد ماده ۱۳۴ برای هریک از جرایم حداکثر مجازات را تعیین و مجازات اشد را در مورد آنان اعمال کند. ولی اگر مجازات جرایم ارتكابی فاقد حداقل و حداکثر باشد در این صورت ظاهراً مجازات اعضای گروه شدیدتر از مجازات سردسته خواهد بود. چون به مجازات اعضای گروه تا یک‌چهارم اضافه خواهد شد، ولی قانونگذار در مورد سردسته فقط به حداکثر مجازات شدیدترین جرم ارتكابی اشاره می‌کند. ولی به نظر می‌رسد باید از این ظاهر دست برداشت و اگر دادگاه برای اعضای گروه حداکثر مجازات به‌علاوه تا یک‌چهارم را تعیین می‌کند باید برای سردسته حداکثر مجازات به‌علاوه یک‌چهارم را تعیین کند؛

۳- در صورتی که گروه مرتکب بیش از سه جرم تعزیری شده باشد نیز ظاهراً مجازات اعضای گروه شدیدتر از مجازات سردسته خواهد بود. چون در این صورت دادگاه به استناد ماده ۱۳۴ مکلف است برای هریک از جرایم حداکثر مجازات را تعیین و تا نصف حداکثر را برای آنان انتخاب و از بین آنها مجازات اشد را انتخاب کند. به نظر می‌رسد ضمن آنکه در فرض شمول مقررات تعدد جرم منعی برای اعمال مقررات مزبور در مورد سردسته وجود نداشته باشد، دادگاه باید برای سردسته حداکثر مجازات به‌علاوه نصف آن را تعیین نماید؛

۴- اگر سردستگی ناظر به جرم ارتكابی موجب حد یا قصاص یا دیه باشد، سردسته به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود. در این حالت در مقایسه با حالت اول می‌توان حالاتی را تصور نمود که سردسته جرم موجب حد یا قصاص یا دیه به مجازاتی کمتر از سردسته جرم موجب تعزیر محکوم شود. برای مثال، اگر کسی سردسته جرم تعزیری درجه ۱ شود که مجازات وی ۲۵ سال حبس و جزای نقدی خواهد بود در صورت سردستگی در ارتکاب جرم موجب قتل عمد منتهی به قصاص به‌عنوان شدیدترین جرم موجب قصاص مجازات وی مجازات تعزیری درجه ۲ یا ۳ خواهد بود که تشخیص اینکه درجه ۲ یا ۳ تعیین شود با دادگاه می‌باشد. (حبس بیش از پانزده تا بیست و پنج سال و جزای نقدی بیش از پانصد و پنجاه میلیون (۵۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

به‌عنوان تعزیر درجه ۲ و یا حبس بیش از ده تا پانزده سال و جزای نقدی بیش از سیصد و شصت میلیون (۳۶۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا پانصد و پنجاه میلیون (۵۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به‌عنوان تعزیر درجه ۳ و هرچند دادگاه در تعیین تعزیر درجه ۲ یا ۳ مختار است ولی ملزم به تعیین حداکثر مجازات درجه انتخابی است. همچنین قانونگذار مشخص نکرده در فرضی که جرم ارتكابی توسط گروه فقط مستوجب دیه باشد سردهسته به چه مجازاتی محکوم خواهد شد. مگر اینکه عمل موجب دیه مستوجب تعزیر هم باشد که در این صورت تکلیف روشن است؛

۵- در محاربه و افساد فی الارض زمانی که عنوان محارب یا مفسد فی الارض بر سردهسته گروه مجرمانه صدق کند حسب مورد به مجازات محارب یا مفسد فی الارض محکوم می‌گردد. حکم این قسمت از ماده قرینه‌ای بر این استنباط است که سردهستگی الزاماً در قالب معاونت نیست، بلکه می‌تواند در قالب مشارکت در ارتکاب جرم هم باشد. اساساً نیازی به ذکر این عبارت در ماده نبود. چون طبیعتاً اگر سردهسته در عملیات اجرایی جرایم مزبور مشارکت کند اعم از اینکه عنوان سردهستگی بر وی صادق باشد یا نباشد وی مستوجب مجازات محاربه یا افساد فی الارض خواهد بود؛

۶- اگر گروه مرتکب جرایم تعزیری و مستوجب حد یا قصاص یا دیه شده باشد مجازات سردهسته بر حسب جرایم تعزیری و مستوجب حد و قصاص و دیه تعیین و سپس مجازات شدیدتر انتخاب و سردهسته به مجازات شدیدتر محکوم خواهد شد؛

۷- در فرضی که شخص در نقش سردهسته، نقش شریک جرم را هم ایفاء می‌کند به‌نظر می‌رسد منعی برای اعمال مقررات تعدد جرم درمورد وی نباشد. برای مثال، فرض کنیم شخص در قالب شریک جرم برای ارتکاب چهار فقره جرم تعزیری نقش سردهستگی را هم ایفاء کرده باشد. در این حالت طبق ماده ۱۳۴ باید حداکثر مجازات قانونی هر یک از جرایم برای وی تعیین و تا نصف حداکثر نیز برای آنها تعیین و سپس مجازات اشد درمورد وی اعمال شود و از باب سردهستگی نیز باید حداکثر مجازات (به‌علاوه نصف آن) درمورد وی اعمال شود؛

۸- در فرضی که سردهسته مشارکت در جرم مستوجب حد یا قصاص یا دیه داشته باشد به مجازات مشارکت در جرم مزبور محکوم خواهد شد و از بابت سردهستگی به حداکثر مجازات معاونت در جرایم مزبور محکوم خواهد شد؛

۹- در فرضی که شخص ضمن مشارکت نقش سردهستگی را هم ایفاء کند به دو مجازات سردهستگی و مجازات مشارکت در جرم محکوم نخواهد شد. برای مثال، اگر سردهسته در

ارتکاب جرم مستوجب قصاص مشارکت کند و در ضمن نقش سردسته را هم ایفاء کند از باب سردستگی به حداکثر مجازات معاونت در قتل و از باب قتل عمد (بر فرض امکان ترتب قصاص) به قصاص نفس محکوم خواهد شد؛

۱۰- اگر سردسته در قالب شرکت در جرم اقدام به سردستگی کرده و به قصاص محکوم شود و اولیای دم از وی گذشت کنند وی مجازات مذکور در بند الف ماده ۱۲۷ را تحمل خواهد کرد نه مجازات مذکور در ماده ۶۱۲ را چون با سقوط قصاص مجازات تعزیری جایگزین آن می‌شود و از بین دو مجازات تعزیری باید مجازات اشد را انتخاب و اعمال کرد؛

۱۱- اگر اولیای دم اعضای گروه را که مرتکب قتل عمد شده‌اند از قصاص نفس عفو کنند، مجازات سردسته مشمول تبصره ماده ۱۲۷ ناظر به بند ت ماده مزبور خواهد بود. چون سردستگی ماهیتاً معاونت در ارتکاب جرم است. هرچند «جهت عدم تقصیر راجعه به مجرم اصلی ارتباطی به معاون جرم ندارد و معاون جرم از آن استفاده نمی‌کند»^{۲۳} ولی نمی‌توان این مورد را از مصادیق ماده ۱۲۹ قرار داد؛

۱۲- در فرضی که شخصی در ارتکاب جرم تعزیری مشارکت کند و در ضمن نقش سردسته را هم داشته باشد بحث تقابل مجازات سردستگی و مجازات شرکت در جرم مطرح می‌شود که باید با لحاظ تعدد جرم مجازات اشد تعیین و فقط یک مجازات اجرا شود؛

۱۳- قانونگذار اساساً برای معاون مجازات تعزیری درجه ۱ تعیین نکرده ولی اگر سردستگی در قالب معاونت ارتکاب یابد و جرم ارتكابی توسط گروه مجرمانه جرم تعزیری درجه ۱ باشد مجازات سردسته هم مجازات تعزیری درجه ۱ خواهد بود؛

۱۴- به نظر می‌رسد علی‌رغم تصریح ماده ۱۳۰ به سردستگی در جرایم مستوجب حد امکان تحقق آن در همه این موارد وجود ندارد. چون سردستگی حسب تعبیر تبصره ۲ ماده ۱۳۰ عبارت است از سازمان‌دهی، تشکیل، طراحی و اداره و در این جرایم رهبری افراد برای ارتکاب جرم داخل در مفهوم معاونت در جرم خواهد بود و نه سردستگی. چون عمل فرد در قالب تدارک مقدمات (مانند تدارک مقدمات شرب خمر یا زنا یا لواط) یا انجام یکی از اقدامات موضوع ماده ۱۲۶ است که داخل در مفهوم معاونت است. به نظر می‌رسد در برخی از جرایم مستوجب حد همانند محاربه و افساد فی الارض و سرقت مستوجب حد امکان سردستگی وجود دارد. در جرایم مستوجب قصاص نیز می‌توان سردستگی را تصور نمود. در جرایم تجاوز جنسی نیز

۲۳. محمد باهری، حقوق جزای عمومی (به کوشش دکتر علی آزمایش) (تهران: انتشارات نگاه معاصر)، ۲۳۳.

می‌توان سردستگی را در نظر گرفت به این اعتبار که فرد با سازمان‌دهی افرادی برای تجاوز گروهی هم‌زمان به عده‌ای دیگر برنامه‌ریزی کند. در فرض فقدان عنف نیز شاید بتوان سازمان‌دهی افراد و متشکل ساختن آنان برای ارتکاب جرایم جنسی را تصور نمود؛

۱۵- برخلاف نظر برخی که معتقدند «فرض حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای گروه در راستای اهداف گروه مرتکب شوند شامل مواردی است که یک گروه تبهکار و مجرمانه در جهت اهداف مجرمانه و مشترک خود جرایم مختلفی را مرتکب شوند؛ مانند اینکه در راستای سرقت از بانک هم جرم تخریب را انجام داده و هم سرقت را مرتکب شوند.»^{۲۴} به‌نظر می‌رسد تخریب اگر مقدمه لازم سرقت باشد جرم مجزاً تلقی نخواهد شد و فرض ماده ناظر به حالتی است که برای مثال گروه مجرمانه هم مرتکب سرقت شده باشد و هم مرتکب کلاهبرداری که در این صورت مجازات سردسته حداکثر مجازات شدیدترین جرم ارتكابی خواهد بود؛

۱۶- برخلاف نظر برخی که معتقدند «ماده ۱۳۰ حالتی را در نظر دارد که سردسته خودش در ارتکاب جرایم اعضای گروه شرکت نداشته باشد»^{۲۵} به‌نظر می‌رسد به تأسی از سابقه قانونگذاری می‌توان گفت سردستگی هم در قالب معاونت و هم در قالب مشارکت در جرم امکان‌پذیر است. لذا، در فرضی که شخصی در ارتکاب جرم تعزیری مشارکت کند و در ضمن نقش سردسته را هم داشته باشد بحث تقابل مجازات سردستگی و مجازات شرکت در جرم مطرح می‌شود که باید با لحاظ تعدد مجازات اشد تعیین و فقط یک مجازات اجرا شود.

نتیجه

ارتکاب جرم به‌صورت گروهی، به‌خصوص گروه سازمان‌یافته موجب تجری و گستاخی بیشتر افراد گروه در ارتکاب جرم می‌شود، به‌نحوی که شاید هریک از افراد گروه به‌صورت انفرادی جرئت ارتکاب عمل مجرمانه مزبور را نداشته باشند. علاوه بر تجری و گستاخی در ارتکاب جرم، می‌توان از شدید بودن خطر در فرض ارتکاب گروهی صحبت نمود و قانونگذار نیز نوعاً بر اساس شدت خطر حاصل از عمل مجرمانه برای جرم ارتكابی توسط اعضای گروه مجازاتی شدید در نظر می‌گیرد. مصادیق این اقدام قانونگذار را می‌توان در فرض متعدد بودن مرتکبین

۲۴. محمدرضا ساکی، حقوق جزای عمومی، مسئولیت کیفری، با لحاظ قانون جدید مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و

اصلاحات و تجدیدنظر کلی (تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۲)، جلد دوم، ۴۳.

۲۵. عباس زراعت، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ (تهران: ققنوس، ۱۳۹۲)، ۲۲۴.

در مواد ۶۵۱ و ۶۵۴ قانون مجازات اسلامی در باب سرقت و ۶۸۳ در باب تخریب ملاحظه نمود.

قانونگذار ایران نیز در موارد مختلف به ارتکاب جرم به صورت سازمان‌یافته توجه داشته است که می‌توان به ماده ۳۰ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲، ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۶۱، ماده ۴۵ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ و ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ اشاره نمود که ماده اخیرالذکر به صورت مشخص به سازمان‌یافتگی گروه مجرمانه اشاره نموده است. قانونگذار ایران سازمان‌یافتگی در ارتکاب جرم را تعریف نکرده است و می‌توان از فحوای کلام قانونگذار استنباط نمود که سازمان‌یافتگی به انسجام موجود بین اعضای گروه مجرمانه اطلاق می‌شود که به موجب آن اعضای گروه مجرمانه تحت امر و فرماندهی شخصی اقدام به ارتکاب جرم می‌کنند.

علاوه بر ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی که به طور صریح و مشخص به سازمان‌یافتگی در ارتکاب جرم اشاره می‌کند در قوانین متفرقه دیگر نیز به سازمان‌یافتگی در ارتکاب جرم اشاره شده است که برای نمونه می‌توان به ماده ۴ قانون تشدید مجازات ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری، بند الف ماده ۲ قانون مبارزه با قاچاق انسان، تبصره ماده ۵ مصوبه مبارزه با مواد مخدر و ماده ۴۹۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات سال ۱۳۷۵ اشاره نمود. حکم قانونگذار در قوانین خاص مورد اشاره مفهوماً با آنچه که در ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی آمده، منطبق است ولی مجازات سردسته در موارد خاص الزاماً تابع حکم عام ماده ۱۳۰ نخواهد بود.

هرچند دولت ایران به کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با جرایم سازمان‌یافته ملحق نشده ولی می‌توان حکم ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی را به نوعی اقتباس از حکم ماده ۲ کنوانسیون مزبور تلقی کرد. هرچند ماده ۱۳۰ انطباق کامل با آنچه در ماده ۲ کنوانسیون آمده ندارد ولی عمدتاً با کنوانسیون مزبور منطبق است و تصویب ماده ۱۳۰ گامی در راستای هماهنگ‌سازی مقررات داخلی با مقررات بین‌المللی است که در نظم نوین جهانی مورد توجه دولت‌ها می‌باشد.

فهرست منابع

الف. منابع فارسی

- آزمایش، علی. تقریرات درس حقوق کیفری عمومی. دوره دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی. تهران: دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۲.
- آقایی جنت‌مکان، حسین. *حقوق کیفری عمومی*. جلد دوم. تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۰.
- باهری، محمد. *حقوق جزای عمومی*. به کوشش دکتر علی آزمایش. تهران: انتشارات نگاه معاصر.
- زارعت، عباس. *شرح مختصر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲*. تهران: ققنوس، ۱۳۹۲.
- ساکي، محمدرضا. *حقوق جزای عمومی، مسئولیت کیفری، با لحاظ قانون جدید مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و اصلاحات و تجدیدنظر کلی*. جلد دوم. تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۲.
- سلطانی، مهدی. *حقوق جزای عمومی*. جلد دوم. تهران: انتشارات دادگستر، ۱۳۹۱.
- شمس ناتری، محمدابراهیم، حمیدرضا کلانتری، ابراهیم زارع و زینب ریاضت. *قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی*. جلد اول: حقوق جزای عمومی. تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۲.
- صانعی، پرویز. *حقوق جزای عمومی*. تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۸۲.
- عدالتخواه، محمدرضا. *مبسوط قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲*. تهران: انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۹۳.
- محسنی، مرتضی. *دوره حقوق جزای عمومی، مسئولیت کیفری*. جلد سوم. تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۶.
- مصدق، محمد. *شرح قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با رویکرد کاربردی*. تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۲.

ب. منابع خارجی

- Albanese, Jay S. "The Causes of Organized Crime." *Journal of Contemporary Criminal Justice* 16(4) (2000): 409-423.
- Dickie, John. *Cosa Nostra: A History of the Sicilian Mafia*. London: Palgrave Macmillan, 2005.
- D'Alfonso, Steven. "Why Organized Crime and Terror Groups Are Converging." September 4, 2014. <https://securityintelligence.com/why-organized-crime-and-terror-groups-are-converging/> (last Visited October 21, 2017).
- Ellis, Stephen and Mark Shaw. "Does Organized Crime Exist in Africa?." *African Affairs* 114/457 (2015): 505-528.
- Hauck, Pierre and Sven Peterke. "Organized Crime and Gang Violence in National and International Law," *International Review of the Red Cross* 92(878) (June 2010): 407-436.
- Kegö, Walter and Alexandru Molcean. *Russian Speaking Organized Crime Groups in the EU*. Stockholm: Institute for Security and Development Policy, 2011, ISBN: 978-91-

86635-05-3 Printed in Singapore.

Lal Sharma, Madan. (1999), "Organised Crime in India: Problems & Perspectives." The International Seminar Visiting Experts' Papers, New Delhi, 1999.

Murray, Kenneth. "Dismantling Organized Crime Groups through Enforcement of the POCA Money Laundering Offences." *Journal of Money Laundering Control* 13(1) (2010): 7-14.

Paoli, Letizia. "Organized Crime in Italy: Mafia and Illegal Markets - Exception and Normality." In *Organised Crime in Europe: Concepts, Patterns and Control Policies in the European Union and Beyond*, edited by Cyrille Fijnaut and Letizia Paoli, 263-302. Dordrecht: Springer, 2004.

Raymond Cho, Kim-Kwang. "Organized Crime Groups in Cyberspace: A Typology." *Trends in Organized Crime* 11 (2008): 270-295.

Reynolds, Lucy and Martin McKee. *Organised Crime and the Efforts to Combat It: A Concern for Public Health*. Published online Nov 15, 2010.

Raymond Choo, Kim-Kwang & Russell G. Smith. "Criminal Exploitation of Online Systems by Organized Crime Groups." *Asian Criminology* 3 (2008): 37-59.

Vermeulen, Gert et Yasmin Van Damme, et Wendy De Bondt. "Perceived Involvement of "Organised Crime" in Human Trafficking and Smuggling." *Revue Internationale de Droit Pénal* 81 (2010/1): 247-273.

Wikipedia. "Crime Boss." Last Modified December 1, 2019. [https://en.org/wiki/Boss_\(crime\)](https://en.org/wiki/Boss_(crime)).



Journal of CRIMINAL LAW AND CRIMINOLOGY

VOL. VII, No. 2

2019-2

- **Comparative Study of Stop and Search by Police in Public Places in Iran and England Legal Systems**
Dr. Gholamhassan Kooshki & Peyman Dolatkahpashakie
- **Liability of Vehicle Owners against Third Parties such as Civil or Criminal Liability?**
Dr. Nasroallah Jafari Khosroabadi & Mina Salemi
- **Heading a Criminal Gang and Aggravation of Punishment**
Dr. Mansour Rahmdel
- **"Invention" of the Custom or Only a "Transformation" in the Way of Recognition?**
Dr. Alireza Bagheri Abyaneh
- **Analyzing the Content of Kimia TV Serials from the Perspective of Family Violence**
Rabeae Nazarpour Hamedani & Dr. Batoul Pakzad
- **Basics and the Realm of the Teachings of New Penology on the Juvenile Delinquency; with an Adaptive Approach to the Criminal Justice Systems of Iran and the United States**
Ali Davoudi Salestani & Dr. Seyyed Hossein Hashemi
- **The International Documentary Approach to the Victims of the Crime of Forced Disappearance**
Dr. Jamal Beigi & Hiva Alipour
- **Right Realist Criminology, Backgrounds and Looks**
Ayoub Nourian Dr. Gholamreza Mohammadnasl & Dr. Nader Norouzi
- **International Organizations Participation in Preliminary Examination in International Criminal Court**
Sahar Poorhassan Ziveh & Dr. Seyyed Ebrahim Ghodsi & Dr. Hamidreza Javidzadeh



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study